رواق شهیدان

حجت‌الاسلام شهید مصطفی ردانی‌پور

مصطفی ردانی‌پور در سال ۱۳۳۷ در شهر اصفهان به دنیا آمد. پدرش از راه کارگری و مادرش از طریق قالی‌بافی مخارج زندگی را تأمین کرده و زندگی بسیار ساده‌ای داشتند.

• تحصیلات

سخت‌کوشی و تلاش، با زندگی مصطفی عجین شده بود؛ به‌طوری‌که در شش سالگی به مغازه کفاشی رفت و در ایام تحصیل نیز نیمی از روز را به کار مشغول بود. هنگامی‌که برای تحصیل به هنرستان رفت، نتوانست جوّ طاغوتی و فاسد آن زمان را تحمل نماید؛ درنتیجه با مشورت یکی از علما، به‌کسب علوم دینی پرداخت. مصطفی سال اول طلبگی را در حوزه علمیه اصفهان سپری کرد و پس از آن برای بهره‌مندی از محضر فضلا و بزرگان راهی قم شد و حدود شش سال، در مدرسه حقانی به‌تحصیل خود ادامه داد.

• فعالیت‌های قبل از جنگ

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل سپاه، با عضویت در شورای فرماندهی سپاه یاسوج، فعالیت‌های همه‌جانبه خود را آغاز کرد. او با بهره‌گیری از ارتباط با حوزه علمیه قم در جهت ارائه خدمات فرهنگی به آن منطقه محروم، حداکثر تلاش خود را به‌کار بست و در مدت مسئولیت یک‌ساله‌اش در سمت فرماندهی سپاه یاسوج، به‌سهم خود، اقدامات مؤثری را به انجام رساند. درگیری با خوانین منطقه و مبارزه با افرادی که به کشت تریاک مبادرت می‌ورزیدند، از جمله کارهای اساسی بود که نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت آینده این مردم مستضعف به‌جا گذاشت.

این شهید بزرگوار که با درک شرایط حساس انقلاب اسلامی، دو سال از حوزه و درس جدا شده بود، با واگذاری مسئولیت به یکی از برادران، به دامان حوزه علمیه بازگشت تا بر بنیه علمی خود بیفزاید.

اما با وجود اینکه در دروس حوزوی به پیشرفت‌های چشم‌گیری نایل آمده بود، هنوز چند ماهی نگذشته بود که خود را مجبور دید، به‌منظور مقابله با جریانات منحرف و آگاهی‌بخشی به مردم و بازگرداندن امنیت و ثبات به کردستان، به سوی این خطه بشتابد. این طلبه فاضل در پی سؤال از وظیفه خویش در ملاقاتی با حضرت امام رحمه‌الله با این جمله روبه‌رو شده بود: «شما باید به کردستان بروید و کار کنید. یک سال تمام به‌همراه نیروهای جان‌برکف و رزمنده، گاهی بلندگو به دست و گاهی اسلحه به دست در راه حق جنگید.

• حضور در جنگ تحمیلی

با شروع جنگ تحمیلی، شهید ردانی‌پور به‌همراه عده‌ای از همرزمان خود، از کردستان وارد جنوب کشور شد و با نیروهای اعزامی از اصفهان (سپاه منطقه ۲) که در نزدیکی آبادان در جبهه دارخوین مستقر بودند، شروع به فعالیت کرد. ایشان مدت‌ها با رزمندگان اسلام در خطی که به خط شیر معروف بود، علیه دشمن بعثی به مبارزه پرداخت و از مهم‌ترین علل شش‌ماه مقاومت مستمر نیروها در این خط، وجود این روحانی عزیز و دل‌سوز بود که به آنها روحیه می‌داد، سخنرانی می‌کرد و یا مراسم دعا برگزار می‌نمود.

وی با تجربه‌ای که از کار در جبهه‌های کردستان داشت، سلاح بر دوش به تبلیغ و تقویت روحی رزمندگان می‌پرداخت و با برگزاری جلسات دعا و مجالس وعظ و ارشاد، نقش مؤثری در افزایش سطح آگاهی و رشد معنوی رزمندگان ایفا می‌کرد و در واقع، وی را می‌توان یکی از منادیان به‌حق و توجه به حالات معنوی در جبهه‌ها نامید.

حضورش در عملیات‌های والفجر ۱، والفجر ۲، محرم و ... تأثیر به‌سزایی در روحیه مقاومت و ایستادگی رزمندگان داشت. هم‌زمان با تشکیل تیپ امام حسین علیه‌السلام، به جانشینی فرماندهی آن انتخاب شد. وی قبل از آن نیز، فرماندهی سپاه یاسوج، نمایندگی امام در سپاه کردستان، جانشین فرمانده لشگر ۱۴ امام حسین علیه‌السلام فرماندهی قرارگاه فتح سپاه و فرماندهی لشگر امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را بر عهده گرفته بود.

• شهادت

شهید ردانی‌پور ۲۵ ساله بود که با همسر یکی از شهدا ازدواج کرد و دو هفته پس از ازدواجش؛ یعنی پانزدهم مرداد سال ۱۳۶۲ در منطقه حاج‌عمران درحالی‌که فرماندهی لشکر امام حسین علیه‌السلام را به‌عهده داشت، طی عملیات والفجر ۲ بر اثر اصابت تیر به پشت جمجمه‌اش به شهادت رسید. پیکر پاکش بر خاک پاک جبهه‌ها باقی ماند و هرگز برنگشت. (دانشنامه اسلامی)

نماینده ولی فقیه در مازندران

بزرگداشت عالمان و دانشمندان مصداقی از شکرگزاری است

نماینده ولی‌فقیه در مازندران برگزاری همایش برای علامه محدث‌نوری را مصداقی از شکرگزاری دانست و گفت: باید علم را مزین به اخلاق و اخلاق را مسلح به علم کنیم.

به گزارش خبرگزاری حوزه از ساری، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدباقر محمدی لائینی در آئین نکوداشت علامه محدث نوری در شهر رویان، اظهار کرد: در پی این هستیم که برای شخصیت‌های این‌چنینی همایش و کنگره برگزار کنیم و نهادهایی مانند حوزه علمیه مازندران در این حوزه تلاش می‌کند تا مفاخر علمی این دیار که در گذشته افتخارآفرینی کردند را به نوبت معرفی کند.

وی ضمن گرامی‌داشت یاد و خاطره مرحوم حاج آقای حقایقی و مرحوم حجت‌الاسلام سجادی‌نوری از بزرگان شهر رویان، افزود: انتظار این است یک چنین شهرستانی با چنین سابقه‌ای دارای یک مدرسه و حوزه علمیه قوی و سنگین باشد.

عضو مجلس خبرگان رهبری با اشاره به گوشه‌ای از ویژگی‌های اخلاقی علامه محدث نوری، بیان کرد: در روزی که همزمان با شهادت امام هادی علیه‌السلام است به این فرموده حضرت اشاره می کنم که؛ شکرگزاری نعمت نیکوتر از نعمتی است که باعث شکر شده زیرا نعمت کالای دنیاست و شکر نعمت کالای دنیا و آخرت است، برگزاری این همایش‌ها مصداقی از شکرگزاری است.

نماینده ولی‌فقیه در مازندران ادامه داد: وظیفه مردم است که عالم را اکرام کنند اما وظیفه عالم هم هست که از مردم توقع احترام نداشته باشد، امیدواریم که بتوانیم علم را مزین به اخلاق و اخلاق را مسلح به علم کنیم.

رئیس شورای حوزه علمیه مازندران گفت: فرق بین عالمان ما با عالمان غرب این است که در شرح زندگی علمای فرنگ خبری از عبادت و توجه به معنویات نیست اما در زندگی‌نامه علمای ما فراوان بحث عبادت آمده، مثلاً حضرت امام راحل رحمه‌الله، حتی یک شب ار ۱۴ سال اقامتشان در نجف اشرف زیارت امیرالمومنین علیه‌السلام را ترک نکردند در کنار تحقیقات مهم علمی و عظمت معنوی که داشتند.

مدیر حوزه علمیه استان تهران

افق‌های علمی درخشانی پیش روی مدرسه عالی شهید مطهری رحمه‌الله‌علیه است

جلسه همکاری‌های مشترک بین مدرسه عالی شهید مطهری تهران و مدیریت حوزه علمیه استان تهران، با حضور مدیران و تعدادی از معاونان این دو مرکز علمی آموزشی، در مدرسه عالی شهید مطهری برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت‌الاسلام والمسلمین رحیمی‌صادق، مدیر حوزه علمیه استان تهران و هیأت همراه در این نشست، با مدیر و معاونان مدرسه عالی شهید مطهری، در خصوص تعاملات فی‌مابین به تبادل نظر پرداخت و بر همکاری‌های لازم تأکید کرد.

از موارد مطرح‌شده در این جلسه، می‌توان به تعامل و همکاری بیشتر بین دو مرکز در رفع برخی مشکلات طلاب مدرسه عالی شهید مطهری، ایجاد یک مرکز تخصصی با موضوع مهدویت و تدوین پایان‌نامه‌های دانش‌پژوهان، تبادل استاد و ارتقای سطح همکاری‌های مشترک، ایجاد کرسی آزاداندیشی و نشست‌های تخصصی به‌صورت مشترک و ... اشاره کرد.

عضو شورای عالی حوزه علمیه خراسان

ضرورت تدبر و عمل به آموزه‌های قرآنی در زندگی فردی و اجتماعی

عضو شورای عالی حوزه علمیه خراسان، به بررسی چالش‌های ناشی از عدم تطابق زندگی با آموزه‌های قرآنی پرداخت، و بر ضرورت تغییر نگرش به سبک زندگی قرآنی برای دستیابی به آرامش و سعادت واقعی تأکید کرد.

به گزارش خبرگزاری حوزه از مشهد، حجت‌الاسلام والمسلمین نظافت، عضو شورای عالی این حوزه، در اولین همایش خانوادگی طرح تنزیل (حافظان قرآن) که در مجتمع فرهنگی آموزشی جوادالائمه علیه‌السلام گلبهار برگزار شد، با تأکید بر جایگاه عمل به قرآن در زندگی فردی و اجتماعی، سخنان مهمی را درباره ضرورت تدبر در قرآن و عمل به آموزه‌های آن مطرح کرد.

وی با اشاره به فرمایش حضرت علی علیه‌السلام که می‌فرمایند: «الله الله فی القرآن»، اظهار داشت: این جمله به این معناست که خدا را در مورد قرآن به یاد داشته باشید و مبادا کفار در عمل به قرآن بر شما پیشی بگیرند. قرآن فقط فرمول نیست، بلکه برای عمل به‌کار می‌رود. در این بین، قرآن نه برای افتخار است و نه برای فخر، هر که عمل کند به نتیجه می‌رسد. حتی اگر کافر به آموزه‌های قرآن عمل کند، به نفع دنیایش خواهد بود، اما مؤمن اگر عمل کند، هم در دنیا و هم در آخرت بهره‌مند خواهد شد.

وی با اشاره به مشکلات کشور، این چالش‌ها را ناشی از عمل نکردن به آموزه‌های قرآنی دانست و گفت: رئیس جمهور می‌گوید دخل‌وخرج کشور با هم تطابق ندارد؛ یعنی به اندازه‌ای که برق و گاز مصرف می‌کنیم، تولید نداریم. چرا؟ چون به آموزه‌های قرآن عمل نمی‌کنیم. در کشورهای اروپایی، مردم به صرفه‌جویی و استفاده صحیح از منابع عادت دارند. قرآن صراحتاً بر پرهیز از اسراف و تبذیر تأکید کرده و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾ اما چرا ما باید در مساجد، حرم‌ها، و حتی کتابخانه‌ها انرژی را هدر بدهیم؟

تحول در نگرش سبک زندگی قرآنی

عضو شورای عالی حوزه علمیه خراسان، قرآن را کتابی عملی دانست و بر بررسی عملکرد فردی و اجتماعی در تطابق با آموزه‌های قرآنی تأکید کرد، و گفت: اگر کسی آیه‌ای از قرآن را بداند اما به آن عمل نکند، همان آیه او را از خدا دور می‌کند. قرآن رحمت است اما برای کسی که طبق آن عمل کند. در غیر این صورت، همین قرآن مایه خسارت می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین نظافت با تأکید بر ضرورت فهم دقیق قرآن، گفت: کافی نیست که آیات قرآن را فقط بخوانیم یا حفظ کنیم. لازم است بفهمیم و ببینیم کجای زندگی‌مان با قرآن تطابق ندارد. قرآن از ما می‌خواهد روابط‌مان ولایتی باشد؛ یعنی کسانی که در زمینه‌های مختلف برتری دارند، باید دیگران را حمایت کنند و پایین‌ترها را بالا بکشند. کسی که دانش دارد، باید علم خود را به اشتراک بگذارد، کسی که دارا است، باید در زمینه مالی دیگران را یاری کند. در واقع، قرآن ساختار جامعه‌ای را می‌خواهد که همه اعضای آن مهارت‌ها، امکانات، و منابع خود را برای کمک به یکدیگر به کار ببرند.

چالش‌های تربیتی، رسانه‌ای و اجتماعی

وی به سلطه رسانه‌ای جهان غرب اشاره کرد و گفت: نظام سلطه رسانه‌ای به‌گونه‌ای عمل کرده که افکار و دل‌های جوانان ما را اشغال کرده است. وقتی می‌بینیم دخترانی که حجاب ندارند، نمی‌توانیم آن‌ها را مقصر بدانیم. باید این واقعیت را بپذیریم که برای آن‌ها کار تربیتی نکرده‌ایم. اگر کسی راه درست را نداند، نمی‌توان او را مقصر دانست. در این مواقع، وظیفه ما این است که با محبت و رحمت به جوانان نگاه کنیم.

عضو شورای عالی حوزه علمیه خراسان افزود: در روایت داریم اگر علم فردی به دیگران نرسد، خداوند از او بازخواست می‌کند. ما باید برای این افراد دعا کنیم و از خدا بخواهیم توفیق توبه بدهد. مشکل ما در بسیاری موارد این است که فقط ظواهر قرآن را گرفته‌ایم و به عمق آن توجهی نداریم.

قرآن، راه‌گشای شادی و سعادت

حجت‌الاسلام والمسلمین نظافت با بیان اینکه زندگی سبک قرآنی، زندگی‌ای شاد و همراه با آرامش است، گفت: اکثر مردم وقتی پول دارند و سالم هستند خوشحال‌اند، اما قرآن به ما راهکارهایی می‌دهد که همیشه شاد زندگی کنیم. رمز شادی دائمی، قرآنی شدن افکار و سبک زندگی است. کسی که با آموزه‌های قرآن زندگی می‌کند، حتی در شرایط سخت هم آرامش دارد. به همین دلیل، حاج قاسم سلیمانی مشتاق بود؛ چراکه زندگی‌اش قرآنی بود و به مرگ قرآنی یعنی شهادت افتخار می‌کرد.

وی تأکید کرد: اگر دنیا را بیش‌ازحد ارزش بدهیم، همواره غمگین خواهیم بود. چرا؟ چون وقتی پول نداریم، غصه‌داریم و وقتی هم داریم، نگران از دست دادنش هستیم. اما کسی که افکارش به قرآن گره خورده باشد، دل‌بسته دنیا نمی‌شود و به آن به چشم ابزار نگاه می‌کند. قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُم، وَلَا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُم﴾، بر آنچه از دست دادید غمگین نباشید و بر آنچه به دست می‌آورید مغرور نشوید» این همان سبک زندگی قرآنی است که ما را از نگرانی‌ها رها می‌کند.

افکار قرآنی، کلید آرامش واقعی و حل مشکلات جامعه

حجت‌الاسلام والمسلمین نظافت به اهمیت تفکر قرآنی و تأثیر آن در زندگی فردی و اجتماعی اشاره کرد و با بیان اینکه افرادی که افکارشان قرآنی نیست، دچار فقر فکری و روحی هستند، اظهار داشت: افرادی که فکر و زندگی‌شان بر اساس آموزه‌های قرآنی نباشد، آرامش واقعی نخواهند داشت. حتی اگر ثروتمند باشند، به آن‌ها گفته می‌شود که «هر که بامش بیش، برفش بیشتر» یعنی رفاه ظاهری مشکلات و اضطرابات بیشتری به همراه خواهد داشت. افراد باید افکارشان را قرآنی کنند تا به آرامش حقیقی برسند.

وی با اشاره به مفهوم آرامش در آیات قرآن، افزود: خداوند متعال در آیات قرآن درباره آرامش صحبت کرده و فرموده که آفرینش زن و مرد برای ایجاد آرامش است. حضرت آدم علیه‌السلام هنگامی که آفریده شد، بلافاصله خداوند همسر او را نیز آفرید. چراکه انسان برای رسیدن به آرامش آفریده شده است. همان‌طور که در آیات آمده، مرد برای همسرش مایه سکون و آرامش و زن نیز برای مرد مایه آرامش است.

حجت‌الاسلام والمسلمین نظافت با بیان اینکه گاهی زندگی زناشویی به اشتباه تنها به‌عنوان وسیله‌ای برای رفع اضطراب در نظر گرفته می‌شود و ممکن است حتی به مشکلات بیشتری منجر شود، افزود: بعضی افراد فکر می‌کنند ازدواج به‌طور کامل اضطراب را رفع می‌کند، اما گاهی بدون ازدواج اضطراب داریم و با ازدواج ده‌ها اضطراب جدید هم اضافه می‌شود. در اینجا قرآن ما را به سکونت و طمأنینه دعوت می‌کند. مثلا خانه و زندگی ما باید مُسکن باشد، نه فقط یک خوابگاه. انسان باید به گونه‌ای زندگی کند که در خانه‌اش آرامش را احساس کند.

فاصله گرفتن از قرآن، ریشه معضلات اجتماعی

وی در ادامه به ریشه بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی که عدم اعتقاد و عمل به قرآن باعث این مسائل شده اشاره کرد و گفت: اگر آیات قرآن را به معنای واقعی کلمه بفهمیم و در زندگیمان جاری کنیم، دنیای و جامعه آباد می‌شود، بسیاری از مشکلات ما از اینجا ناشی می‌شود که قرآن را در زندگی خود وارد نکرده‌ایم. در روایات آمده که به هشت دلیل بهشت نصیب ما نمی‌شود. این دلایل ناشی از عدم عمل به قرآن است.

وی در خصوص تفاوت معجزات پیامبران با اعجاز قرآن توضیح داد: معجزه پیامبران قبلی از جنس‌های دیگر بوده، مثلا معجزه حضرت موسی علیه‌السلام عصا و ید بیضا بود، یا معجزه حضرت عیسی علیه‌السلام زنده کردن مردگان بود. این معجزات را دیگر نمی‌بینیم، اما قرآن به‌عنوان یک معجزه ماندگار در همه زمان‌ها حضور دارد. قرآن در زمان خود مبارزه‌طلبی کرد و گفت اگر می‌توانید، سوره‌ای مثل آن بیاورید. این بزرگ‌ترین دلیل حقانیت قرآن است.

حقانیت قرآن و وظیفه ما در تدبر و عمل

حجت‌الاسلام والمسلمین نظافت همچنین بر اهمیت تدبر در آیات قرآن تأکید کرد و آن را یکی از بزرگ‌ترین نشانه‌های حقانیت برشمرد و بیان داشت: قرآن همگان را به تدبر دعوت کرده و تقلید کورکورانه را سرزنش کرده است. اگر قرآن را می‌پذیرید، باید با تدبر و تأمل به معانی آن برسید، نه اینکه تنها به دلیل تقلید از والدین یا دیگران آن را قبول کنید. خودتان باید به حقیقت آن برسید. تدبر در قرآن باعث می‌شود باورهای اعتقادی و رفتاری ما تصحیح شود.

قرآن و سبک زندگی، راه‌حل مشکلات فردی و اجتماعی

وی ادامه داد: اگر واقعا قرآن در زندگی ما جا بیفتد و به معنای واقعی کلمه از آن پیروی کنیم، بخش عمده‌ای از مشکلات اخلاقی و اجتماعی‌مان حل خواهد شد. بسیاری از مسائلی که امروز با آن مواجه هستیم، تنها با عمل به آموزه‌های قرآنی برطرف می‌شود. وقتی در یک جامعه سبک زندگی قرآنی حاکم باشد، همه حسرت اخلاق و معنویت آن جامعه را خواهند خورد.

اخلاق در حوزه

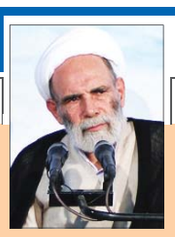

استاد دینیِ بی‌دین

آیت‌الله مجتبی تهرانی

یک‌وقت هست به‌طور کلی از معلم و شاگرد و جنبه تعلیمی بحث می‌کنیم و علم هرچه می‌خواهد باشد، فرقی نمی‌کند؛ بحث ما هم تا اینجا کلی بود؛ اما یک‌وقت هست نه، مطلب از این بالاتر است؛ بحث درباره معلم دینی و استاد معارف است.

چنین معلمی اگر منحرف باشد، از دو حال خارج نیست؛ حالت اول این است که آنچه را از نظر علمی می‌آموزد، صحیح است و انحرافی از نظر آموزش علمی‌اش ندارد؛ اما از نظر عملی مخرب است. شک نیست که این از آن‌که غیر علم دین را می‌آموزد، أضر است و از نظر رفتاری بیشتر تخریب می‌کند. این ضررش بیشتر است. این‌ها را من همین‌طور گام به گام پیش می‌آیم؛ چون می‌خواهم محیط آموزشی را بحث کنم. این محیط‌ها می‌خواهد جوان‌های ما را بسازد.

ما در این مورد روایت زیادی داریم. علی علیه‌السلام فرمودند: «العِلمُ بِغَیرِ العَمَلِ وَبَالٌ».(غررالحکم، ۴۵) در جای دیگر حضرت فرمود: «عِلمُ المُنَافِقِ فِی لِسَانِهِ». (غررالحکم، ۴۵۹) و باز فرمودند: «عِلمُ المُؤمِنِ فِی عَمَلِهِ». (غررالحکم، ۱۵۲) بر اساس این روایات، معلمی که درس دین می‌دهد؛ ولی از نظر تربیتی اثر تخریبی دارد، به‌تعبیری بسیار ساده، بذر نفاق را در درون آن شاگرد می‌افشاند؛ چون این بچه می‌فهمد و تفاوت قول و عمل را در این استاد می‌بیند. گفت: قسم حضرت عباست را باور کنم یا دم خروس را؟! کدام یکی از این‌ها را باور کنم؟!

این استاد بذر نفاق را از همان موقع که می‌خواهد، فراگیری داشته باشد و از نظر روحی روانی، ساختار وجودی پیدا کند، در دل این شاگرد می‌افشاند. وای به حال این‌ها! «أشدُّ النّاسِ عَذاباً یَومَ‌القیامَة» این‌ها هستند. سخت‌ترین عذاب را روز قیامت دارند.

من روایت زیاد دیدم و نمی‌خواهم وارد این بحث شوم. این خودش یک بحث مستقل دارد. نمی‌خواهم وارد شوم که دیدگاه اسلام درباره این افراد چیست؛ چون نمی‌خواهم از بحثم منحرف شوم؛ لذا به این‌ها کاری ندارم؛ چون بحثم، بحث تربیت است؛ اما بدانید که وضع این‌ها خیلی خراب است.

• درس توحید از زبان شیطان

چنین استادی با اینکه آنچه را که می‌آموزد صحیح است، نقش سازندگی ندارد و نقش تخریبی دارد. اصلاً فرض ما این است که معارف می‌گوید و معارف صحیح هم می‌گوید؛ معلم دینی است، درست هم می‌گوید؛ اما از نظر رفتاری می‌بینیم که مرز الهی و مرز انسانی را رعایت نمی‌کند. نه‌تنها نقش سازندگی ندارد و نقش تخریبی دارد؛ بلکه بالاتر؛ یعنی نقش تخریبی این، بیش از آن کسی است که آن علمی را که می‌آموزد، غیر علم دین است. استاد ما، امام رضوان‌الله‌علیه یک وقت این را نقل می‌کرد و در صحبت‌ها می‌فرمود: «درس توحید از زبان شیطان». ایشان خیلی زیبا می‌فرمود. این جزء کلمات قصار ایشان بود. درس توحید است؛ اما از زبان شیطان است.

• استادِ دینی منحرف

حالت دوم آن است که استاد به‌عنوان معارف، علوم دینی تدریس می‌کند؛ اما آنچه می‌گوید، اشتباه است. آن اولی درست می‌گفت؛ اما گفتارش با رفتارش تطبیق نداشت؛ ولی این دومی، گفتار و تدریسش هم انحراف دارد. ظاهراً دیگر خیلی روشن است که چنین استادی چقدر خطرناک و مضر است و چقدر نقش تخریبی در شاگرد دارد.

من یک روایت می‌خوانم. روایت مفصلی است از امام حسن عسکری علیه‌السلام در باب همین دانشمندان سوء که حضرت می‌فرماید: «وَهُمْ أَضَرُّ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا مِنْ جَيْشِ يَزِيدَ عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَأَصْحَابِهِ»؛ این دانشمندانِ سوء نسبت به ضُعفای شیعه ما، شرّشان بیشتر است تا لشکر یزید علیه حسین علیه‌السلام؛ حضرت بعد سرّش را هم می‌فرماید که چیست.

اما ضُعفا یعنی چه؟ ضُعفا از نظر پیکره ظاهری که نیست؛ بلکه جنبه‌های روحی مطرح است؛ یعنی آن کسانی که از نظر ایمانی، هنوز یک ایمان مستقر پایداری از نظر درونی پیدا نکرده‌اند که بیدی نباشند که با این بادها بلرزند. خوب بچه در این سنّ این‌چنین است؛ چون بحث ما بچه چهارده، پانزده ساله است. آیا این از نظر ایمانی ضعیف است یا نیست؟ شکی نیست که به‌طور غالب ضعیف هستند و هنوز ایمان در قلب آنها به‌صورت استوار پا نگرفته است. بله، از نظر درونی و از جهت فطرتش ایمان دارد؛ اما اینها هنوز در وجود او آن‌طور به فعلیت نرسیده که بتواند، در برابر شُبهات اعتقادی مقاومت کند. حالا این استاد رفته سر کلاس و برای او «دینی» می‌گوید و مسائل انحرافی را مطرح می‌کند. این چه جنایتی دارد می‌کند؟!

حضرت می‌گوید: این آدم از آن لشکریان یزید بر علیه امام حسین علیه‌السلام و اصحابش بدتر و مضرتر است. من این‌ها را می‌گویم که حواستان را جمع کنید؛ ای کسانی که آمده‌اید، به‌عنوان معلم دینی و معارف در مراکز آموزشی و دارید مسائل انحرافی را مطرح می‌کنید، این را بدانید که شما از لشکر یزید بدترید.

حالا علت آن را هم می‌گویم؛ «فَإِنَّهُمْ يَسْلُبُونَهُمُ الْأَرْوَاحَ وَالْأَمْوَالَ»؛ مگر لشکر یزید چه کار می‌کرد؟ آنها جان و مال حسین علیه‌السلام و اصحابش را گرفتند. کُشتند و بردند! غیر از این بود؟! امّا این دانشمندانِ سوء چه می‌کنند؟ «وَهَؤُلَاءِ عُلَمَاءُ السَّوْءِ يُدْخِلُونَ الشَّكَّ وَالشُّبْهَةَ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا فَيُضِلُّونَهُم». (بحارالانوار، ۲، ۸۸) این‌ها پایه‌های ایمانی این بچه‌ها را می‌لرزانند. ارزش روح بالاتر است یا جسم یا پول؟! کار لشکریان یزید این بود؛ اما کار اینها این است که با این تدریس‌هایی که دارند، ضُعفای شیعه ما را منحرف می‌کنند.